

زندگی‌نامهٔ آیت الله
حاج شیخ علی
نمازی شاهرودی

محمّد نمازی*

چکیده: شیخ علی نمازی شاهرودی (۱۳۳۳ قمری ـ شاهرود، ۱۴۰۵ ـ مشهد) که از او به عنوان مجلسی زمان یاد می‌شود از علمای بزرگ شیعه بود. در زمینه‌های فقه، اصول، حدیث، رجال، معارف، عقاید، عبادات، تاریخ، طب، گیاه‌شناسی صاحب تألیف است. در کودکی حافظ کلّ قرآن شد، تدوین فقه استدلالی را در سنّ ۲۲ سالگی آغاز کرد. مستدرک سفینة‌البحار و مستدرکات علم رجال الحدیث حاصل بخشی از تلاشهای علمی و تحقیقاتی ایشان است. وی، از شاگردان دورهٔ دوم معارف مرحوم میرزا مهدی اصفهانی به شمار می‌رود که به مدت ۱۵ سال، دروس فقه، اصول و معارف را در محضر استاد تلمذ نمود. از جمله سجایای اخلاقی وی تقید به نوافل، انجام مستحبات، زهد، تقوا و فروتنی بود. در نقل احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام و نشر معارف حقه و اقامهٔ

*. پژوهشگر، فرزند آیت الله نمازی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

مجالس عزاداری و توسل به اهل‌بیت علیهم‌السلام سعی بلیغ داشت.

کلیدواژه‌ها: نمازی شاهرودی، علی / سرگذشت نامه / کتاب شناسی / تألیفات / اساتید / خاطرات / اخلاق / اجتهاد.

قال الصادق علیه‌السلام: «مَن تَعَلَّمَ الْعِلْمَ و عَمِلَ بِهِ و عَلَّمَ لِلّه، دُعِيَ فِي مَلَكوتِ السَّماواتِ عَظيما، فَقيلَ: تَعَلَّمَ لِلّهِ وَ عَمِلَ لله وَ عَلَّمَ لِلّهِ». (کلینی، کافی، ج ۱،ص ۳۵)

هر که برای خدا علم بیاموزد، و به آن عمل کند و خالصانه آموزش دهد، در ملکوت آسمانها به بزرگی یاد شود. و گفته شود، برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد.

«مِدادُ الْعُلَماءِ اَفْضَلُ مِنْ دِماءِ الشُّهَداءِ»

جوهر قلم دانشمندان از خون شهیدان برتر است.

«اَللّهُمَّ اِنّا نشکو اِلَیْکَ فَقْدَ نَبِیِّنا صَلَواتُکَ عَلَیه و آلِه و غَیْبَةَ وَلِیِّنا و کَثْرَةَ عَدُوِّنا و قِلَّةَ عَدَدِنا و شِدَّةَ الفِتَنِ بِنا و تَظاهُرَ الزَّمانِ عَلَیْنا». (فرازی از دعای افتتاح)

در دورانی که به فقدان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و غیبت امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) دچاریم و دشمنان فراوان و دوستان اندکند، بارشهای فتنه از هر سو سرازیر و همه چیز دست به دست هم داده تا ایمان را بگیرد، بیش از هر زمان، نیاز به افرادی داریم که دیدارشان ما را به یاد خداوند اندازد، گفتارشان دانشمان را افزون دارد و کردارشان ما را به سرای ابدّیت ترغیب کند.

مصداق اعلای این اوصاف، عالمان وارسته‌اند. گرچه پیکرهای آنان از میان ما می‌رود، امّا یادشان در دلها می‌ماند، و آثارشان فکر و روح آیندگان را سیراب می‌سازد.

سهم ما از زندگی پاکیزهٔ آنان، تأمّل در زندگی و آموزه‌های آنان، شنیدن مواعظِ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

برجای مانده و تأسّی بر سلوک و کردارشان می‌باشد. از این جهت در صدد بیان مختصری از زندگی یکی از علمای بزرگ و فقیهان بنام حوزهٔ علمیّهٔ مشهد هستیم، مجتهد و فقیهی قوّی، محدّث و محقّقی بصیر، رجالی دقیق، استاد معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام علّامهٔ بزرگ، حضرت *آیت الله حاج شیخ علی نمازی شاهرودی* که حقّ عظیمی بر حوزه‌های علمیّه و دانشمندان دارد.

وی اسوهٔ تقوا و نمونهٔ فضیلت و اسطورهٔ حلم و بردباری بود. شیوهٔ زندگی و خلق زیبای او هر انسان بیداری را به شیوهٔ زندگی و اخلاق کریمهٔ اولیاء الهی رهنمود می‌کرد.

اجتهاد را به هر معنی که تفسیر کنیم وی مجتهدی قوی بود، و عدالت را هرگونه معنی کنیم او عادل بود.

وی مورد تکریم اهل فضل وکمال بوده و نزد ارباب علم از مقام رفیعی برخوردار بود. عمر شریف خود را در راه تدریس و تربیت، علم و عمل و نشر حقائق و معارف اسلام صرف نمود. وارستگی و ساده‌زیستی و بی‌اعتنایی به عناوین اعتباری و ظاهری دنیا وی را در نزد عموم دوست داشتنی ساخته بود. گفتارش باعث هدایت افراد، درسهایش عالم‌پرور، نصیحتهای او آرام‌بخش، و سخنانش افراد را متوجه خداوند عزّوجل و فرستادهٔ بزرگش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و خلفای پاک و بر حقّش می‌نمود.

علاقهٔ وافر به تحقیق و تألیف داشت و در سفر و حضر از آن دست بردار نبود. تألیفاتش تحقیقی و مستند از احادیث معتبر موثّق ضبط گردیده. نویسنده‌ای بی‌تکلف، متواضع و دین‌داری واقعی بود. در مسافرتها به تألیف کتابهای فارسی اشتغال داشت. در زمینه‌های فقه، اصول، حدیث، رجال، معارف، عقاید، عبادات، تاریخ، طب، گیاه‌شناسی و غیره صاحب کتاب می‌باشد که تعداد آنها به بیش از ۶۰ جلد می‌رسد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

وی در شناخت حدیث و رجال حدیث، از اعجوبه‌های عصر به شمار می‌رفت و به تعبیر حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی: علّامه نمازی، مجلسی زمان بود.

آیت الله نمازی، در ۱۷ رجب سال ۱۳۳۳ هجری قمری در شاهرود خانهٔ علم و تقوی متولّد شد.

پدر:

پدر بزرگوارش عالم ربّانی، فقیه صمدانی، زاهد و پارسا، سلمان زمان خود[۱] آیت الله حاج شیخ محمّد نمازی شاهرودی (ره) بود. عالم عامل، بینای کامل، فاضل آگاه، فقیه و مفسّر، حافظ اخبار، در امور شریعت بس دقیق، شخصیّتی که مصداق این جمله: «**فَاَمّا مَن کانَ مِنَ الفُقَهاء صائناً لِنَفْسِه حافظاً لِدینِه مخالفاً علی هَواه، مطیعاً لامر مَوْلاه**»[۲] بود. بیش از ۷۰ سال مبلّغ و مروّج شریعت و معارف اسلامی، دارای اجازهٔ اجتهاد از مراجعی از جمله حضرات آیات عظام سیّد ابوالحسن اصفهانی و سیّد محمّد فیروزآبادی بوده است. وی اوقات خود را در روز و شب به تدریس و تعلیم خاص و عام می‌پرداخت. حاشیه‌هائی بر بحارالانوار، نهج البلاغه و دیگر کتب داشت. می‌فرمود: شبانگاه ذکر درخت و سنگ را می‌شنیدم. شبی در خواب دیدم که صاحب‌الزمان علیه‌السلام ظاهر شدند و خیمه‌ای بین زمین و آسمان برای حضرت نصب شده که به طرف قبله می‌رود. من با جماعتی برای یاری حضرت می‌رویم.

وی را علاقهٔ ویژه به ساحت مقدّس رضوی بود چنانکه بیش از ۴۰ مرتبه پیاده از شاهرود به مشهد و چند بار هم به عتبات و بیت الله الحرام مسافرت کرد.

---

۱. مراجع و علماء وی را سلمان زمان نامیدند.

۲. بحارالانوار ج ۲، ص ۸۸. قسمتی از حدیث شریف حضرت عسکری علیه‌السلام به نقل از تفسیر امام و احتجاج طبرسی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

آیت الله شیخ علی نمازی

در شاهرود مقدمات علوم، اعمّ از ادبیات و سطح، ریاضیات و تاریخ را نزد اساتید آنجا فراگرفت. از محضر پدر بزرگوار علم لغت، ادبیّات، اصول، فقه، حدیث، تفسیر، اخلاق را استفاده کامل برد.

وی در اوائل جوانی حافظ کلّ قرآن شد. با استفاده از این حفظ و حظّ وافر، تسلّط کافی بر آیات و تفسیر داشت. و به خاطر نبوغ فکری و استعداد فوق‌العاده‌ای که داشت، فقه و اصول را سریعاً به درجه‌ای خاص رسانید. آنگاه به منظور خوشه چینی از خرمن فضل و دانش علماء مشهد رهسپار آن دیار گردید. در سایهٔ مجاهدات و تلاشهای پیگیر خود نقطهٔ عطفی در تفکّر صحیح اسلامی بوجود آورد. و دریافت که رسیدن به معارف حقّه اسلامی و دوری از تشویش و انحراف، فقط از طریق علوم اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام می‌باشد. و با دلائل متقن و براهین روشن و استوار ثابت نمود که به منظور رسیدن به معارف حقّه اسلامی و اجتناب از هرگونه لغزش و انحراف منحصراً باید از دریای بی‌کران معارف اهل‌بیت عصمت علیهم‌السلام بهره جست. در مشهد مدّت کوتاهی مدارج عالیه فقه و اصول را یکی پس از دیگری پیمود، تا به درجه اجتهاد نائل گشت.

فقه استدلالی خود را در سن ۲۲ سالگی شروع به تدوین نمود. تفوق و تسلّط ایشان به مسائل ریاضی، نجوم به خوبی آشکار بود (کتب ریاضی شیخ بهائی (ره) را از استاد درس گرفتند).

در تاریخ قبل از اسلام و صدر اسلام و بعد از آن نیز تبحّر خاصّی داشتند. علاوه بر زبان عربی که در آن تبحّر فراوانی داشت، با زبان فرانسه نیز آشنا بود.

مرحوم علّامه آیت الله نمازی در طبّ، طبابت گیاهی صاحب کتاب بوده که در بردارندهٔ معالجه امراض و تجربه‌های مفید می‌باشد.[1]

۱. از کتب طبی ابوعلی سینا وطبّ کبیر قدیمی (چاپ سنگی) و... بهره برده بود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

در گیاه‌شناسی، خصوصاً شناخت انواع گـلها بـر اسـاس رنگ آنـها و تـیره‌های کوهی، صحرایی و... آشنا بود. و کتاب خود را (معرفة‌الاشیاء) به چهار بخش تقسسیم نمود: ۱ـ جمادات ۲ـ نباتات ۳ـ اشجار ۴ـ حیوان.

در علوم غریبه نیز از اساتید فنّ بهره‌ها برده و صاحب نظر و رساله‌هایی در این زمینه بود.

در خطاطی نیز هنرمند بود که آثار خود را به خط روشن و شیوا نوشته و به یادگار گذاشته است.

در پرتو عنایات معصومین علیهم‌السلام تبحّر و مهارت در مناظره با فـرقه‌های مـختلف داشت، به دلیل تسلّط قابل ملاحظه‌ای که به متون کتب فرق اسلامی (خـصوصاً صحاح ستّه، کتب تفسیری، تاریخ و...) داشتند.

همچون روش مـوالیـانش حـضرات مـعصومین علیهم‌السلام بـا فـرق اسـلامی مـباحثه می‌نمودند. با استناد به کتب معتبرهٔ آنها مناظره کرده، آنها را نیز مجاب و مـتقاعد می‌نمودند.

بحثهای طولانی و مستمر ایشان خصوصاً در عـربستان سـعودی (در سـنوات مختلف) آثار مفید و ارزنده‌ای به دنبال داشت و ثمرهٔ این مباحثات که با حکمت و موعظهٔ حسنه انجام می‌گرفت، هدایت گروهی از مسلمانان پاکستان و هندوستان و... را سبب گردیده بود.

فعالیتهای عمده و اساسی اخیر فقید سعید اعلی الله مقامه پیرامون احادیث و رجال‌الحدیث بحارالانوار اختصاص یافته بود.

می‌فرمودند: سه مرتبه دورهٔ بحارالانوار را جهت اسـتدراک احـادیث بـا دقّت خواندم و دو مرتبه با تتبّع در ارتباط با رجال احادیث و در کتابهای الغدیر، احقاق الحق، فضائل‌الخمسه و دیگر کتب خاصه و عامه نکاتی استخراج کردم. حاصل این مطالعات ۳۴ ساله، دورهٔ مستدرک سفینة‌البحار در ۱۰ جلد و مستدرکات علم رجال‌الحدیث

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

در ۸ جلد جمع‌آوری شده است.[۱]

نشأت علمی

استاد آیت الله نمازی در مشهد

عالم عامل کامل، استاد علوم اِلهیه و معارف قرآن، مهذّب به اخـلاق کـریمه، متّصف به صفات جلیله، فقیه اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام حـضرت آیت الله العظمی آقا میرزا مهدی اصفهانی. ایشان در سال ۱۳۰۳ در اصفهان متولّد و در نزد پدر بزرگوار خود مرحوم شیخ اسماعیل و دیگر علماء اصفهان در فقه و اصول تلمّذ کرد، بعد به نجف عزیمت کرد.

در نجف فقه را در محضر درس علّامهٔ فقیه سیّد محمّد کاظم یزدی (ره) صاحب "عروة الوثقی" و اصول را از محضر علّامه آخوند ملّا محمّد کاظم خراسانی (ره) صاحب "کفایة الاصول" فراگرفت و بعد در نخستین دورهٔ درس آیت الله العظمی علّامه میرزا محمّد حسین نائینی (ره) شرکت کرده، مدّتی به صورت تنهایی، سپس تعداد به ۷ نفر از اوتاد رسید. دورهٔ فقه و اصول را به مدت ۱۴ سال از محضر استاد استفاده کرد.

معظم له یکی از شاگردان مبرّز و بسیار نزدیک استاد بود که کمال عنایت را استاد به وی داشت.

در سال ۱۳۳۸ ق در سنّ ۳۵ سالگی موقع حرکت به ایران اسـتاد کـتباً اجـازهٔ اجتهاد به ایشان دادند.

ایشان می‌فرمودند: علّامهٔ نائینی مهمّات فقه و اصول را برایم افاضه فرمودند. وی در فلسفه به اعلی مرتبه آن رسید. بعد متوجّه عرفان شد، و در کربلا، مـدّتی شاگردی استادالعرفاء و السالکین سیّد احمد معروف به کربلائی را نموده، تا به مقام معرفة‌النفس نائل شده، بعد از چندی استاد تصدیق‌نامه‌ای که تصریح به نائل شدن

۱. نام کتابهایی که اسانید آنها مورد استفاده قرار گرفته در مقدمهٔ مستدرکات علم رجال‌الحدیث ج ۱ ص ۶۹ ثبت گردیده است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

به درجات عالیه و مقام معرفةالنفس بود به میرزا عطا کرد.

مرحوم میرزا مهدی می‌فرمایند: در این موقع دیدم که اینها با ظواهر قرآن و بیانات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام همخوانی ندارد. باید تأویل و توجیه شود. این دو طایفه را "کسراب بقیعة یحسبه الظمآن ماء حتّی جاءه لم یجده شیئاً" یافتم. خاضعانه و خاشعانه مدّتی به حضرت بقیة الله الاعظم(عجل الله تعالی فرجه الشریف) متوسّل شدم. ورقه‌ای نوشته شده به خطی آشکار دیدم: **«طلب المعارف من غیرنا اوطلب الهدایة من غیرنا (الشک منّي) مساوق لانکارنا»**. در ظهر ورقه نوشته شده بود: **اقامني الله و انا حجة بن الحسن**[1]

این نگرش مرا به معرفت خدا و شناخت حقایق به کلّی دگرگون کرد. از فلسفه و عرفان بیزاری جستم، و تمامی نوشته‌های خود را به شطّ کوفه انداختم. و به کتاب قرآن کریم و آثار عترت طاهره روی آوردم. تمامی علم را در این کتاب خداوند عزّوجل و اخبار اهل‌بیت رسالت علیهم‌السلام که خداوند آنان را گنجینه‌های علمش، مترجمان وحیش و مورد تأکید پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله که هدایت را در ضمن تمسّک به این دو (قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام) ضمیمه کرده یافتم. پس جستجو را در کتاب حکیم و اخبار ائمّهٔ هدی علیهم‌السلام انجام دادم. بعد از عراق عازم ایران، و در مشهد در مجاورت امام رئوف حضرت رضا علیه‌السلام اقامت نموده، تعلیم و تدریس را شروع کردند.

مطالب فقه و اصول و معارف‌القرآن را مدّتی نزدیک به ۳۰ سال بدون تعطیلی (در طول سال تحصیلی، تعطیلی به ۱۰ روز نمی‌رسید حتّی در ایّام خاص درس مربوط به همان زمان بود)، افاضلی در محضر استاد استفاده نموده، تا اینکه اکثر آنان به رتبهٔ اجتهاد در فقه و اصول و معارف الهیّه رسیدند.

همسایهٔ میرزا برای من نقل می‌کرد که در سفر عتبات محضر مرجع خود مرحوم آیت الله العظمی سیّد ابوالحسن اصفهانی(ره) رسیدیم و عرض کردیم: آقا، ما مقلّد

۱. به نقل از مستدرک سفینةالبحار، ج ۱، ص ۱۱. (مقدّمه)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

شما هستیم و وجوهات را به میرزا مهدی اصفهانی می‌پردازیم. مرحوم سیّد فرمودند: دست میرزا دست من است، میرزا در مشهد کارخانه مجتهد سازی دارد.[1]

حضرت آیت الله العظمی وحید خراسانی در شأن استاد خود، مرحوم آیت الله میرزا مهدی اصفهانی (ره) چنین می‌فرمایند:

امّا میرزا مهدی از آن کسانی است که تا کسی او را ندیده باشد، نمی‌داند چه شخصیّتی بود: علمیّت آقا میرزا مهدی در حدّی بود که وقتی من به نجف رفتم، آقای شاهرودی از من پرسید: در نجف چه مازادی بر مشهد دیدی؟ گفتم: نسبت به اصول مرحوم میرزا نائینی، زائدی در اینجا ندیدم. آنچه میرزای نائینی داشته آقا میرزا مهدی به شاگردانش انتقال داده است.

مرحوم آقا سیّد جمال گلپایگانی هم، همین سؤال را از من پرسیدند: و من همان جواب را دادم. اما سیّد جمال گفت: آقا میزا مهدی از آن هفت نفری است که مرحوم میرزا نائینی در دورهٔ اوّل، حرفهایش را به آنها پخته کرده بود.

آقا میرزا مهدی کسی است که وقتی وارد مشهد شد، حوزهٔ مشهد را منقلب کرد و همهٔ فضلای مشهد، محصول اویند. مجسّمه‌ای بود از علم و تقوی و زهد، زهدی که ما نظیر آن را ندیدیم، نه آنکه کم دیدیم. مرحوم آقا میرزا مهدی ضدّ فلسفه و عرفان و تصوّف بود و حرفهای ایشان با حرفهای فلاسفه تفاوت داشت.[2]

آیت الله نمازی از شاگردان زبدهٔ مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا مهدی اصفهانی‌ﷺ بود که بیش از ۱۵ سال از محضر استاد خود در: فقه، اصول و معارف (درس صبح، عصر و شب) استفاده کامل نمود. در شبانه روز بطور متوسّط ۱۸ ساعت کار تحقیق انجام می‌داد.

وی تمام درسهای استاد را به رشتهٔ تحریر در آورده است. چون معظّم له حافظ

۱. به نقل از مرحوم استاد علی میر حسینی که مورد تأیید پدر ما بود.
۲. کلمات حضرت آیت الله وحید خراسانی به نقل از آیت الله سیدان، در سالگرد آیت الله مروارید(ره).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

کلّ قرآن بوده، برای تحریر درسها، روایات و نظرات فقهی بزرگان را هم به اصل کتاب مراجعه، بعد ثبت می‌کردند.

در اینجا برای ثبت در تاریخ، نام برخی از شاگردان مرحوم میرزای اصفهانی را ـ به تفکیک دوره‌های تدریس ایشان ـ می‌آوریم.[1]

شاگردان دورهٔ اوّل معارف مرحوم میرزا عبارتند از:

۱. مرحوم سیّد صدرالدین فرزند آقا سیّد آیت الله العظمی اسماعیل صدر که قبرش در کاظمین است.

۲. شیخ علی اکبر نوغانی

۳. مرحوم حائری کرمانشاهی که پیش نماز مسجد ملّا هاشم بود.

۴. شیخ کاظم دامغانی

شاگردان دورهٔ دوم معارف مرحوم میرزا که در آن بعضی شاگردان دورهٔ اوّل هم شرکت داشتند عبارتند از:

۱. مرحوم شیخ محمود حلبی

۲. مرحوم شیخ هاشم قزوینی

۳. مرحوم شیخ مجتبی قزوینی

۴. مرحوم شیخ غلامحسین بادکوبه‌ای

۵. مرحوم شیخ محمّد حسن بروجردی

۶. مرحوم شیخ کاظم دامغانی

شاگردان دورهٔ سوم عبارتند از:

۱. شیخ حسن علی مروارید

۲. میرزا جواد آقاتهرانی

۳. شیخ علی اکبر صدرزاده

۱. این توضیح، به نقل از جناب حاج میرزا اسماعیل مدرس غروی فرزند دانشمند میرزای اصفهانی است.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

۴. شیخ محمّد باقر ملکی
۵. غیاثی
۶. سیّد علی شاهرودی
۷. سیّد علی‌اکبر فیاض
۸. شیخ عبدالنبی کجوری
۹. شیخ علی محدث
۱۰. شیخ علی نمازی
۱۱. عسگری طباطبائی

نگاه استاد

مرحوم نمازی مورد علاقه و تأیید استاد خود بود، به طوریکه پس از عمل به فرع عبادی (که مورد اعتراض واقع شده بود)، استاد برای تأیید وی ضمن بیان اینکه آقا شیخ علی خود مجتهد است و به نظر خود عمل می‌کند، شخصاً در جماعت حاضر، به مرحوم نمازی اقتدا می‌کند.[۱]

درجای دیگر استاد می‌فرماید: که شیخ علی نمازی فقیهی قوی است.[۲]

در سفری که میرزا به تهران می‌روند. در بین راه، چند روزی در شاهرود در منزل پدر آیت الله نمازی رحل اقامت می‌افکنند. در همان ایّام، مرحوم آیت الله حاج شیخ محمّد نمازی (پدر معظم‌له) از میرزای اصفهانی در مورد حالات علمی فرزند خود شیخ علی می‌پرسد.

میرزای اصفهانی (ره) می‌فرمایند: بله، ایشان مجتهدند. بعد از لبخند پدر، مرحوم میرزای اصفهانی می‌فرمایند: این مطالب را جدّی و بدون اغراق می‌گویم.[۳]

۱. نقل از مرحوم آیت الله سنابادی (ره).
۲. نقل از مرحوم حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ مرتضی علم الهدی(ره).
۳. مصاحبه با حاج آقا جلال مروارید، اخوی آیت الله حاج آقای مروارید، ساکن مشهد که در این سفر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

بعد از رحلت این استاد بزرگ و گران‌قدر، آیت الله نمازی برای تکمیل مدارج علمی، به نجف اشرف هجرت کرد و مدّتی در جوار مولا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مقیم شد، با استادان بزرگ فقه و اصول و مبانی آنان آشنا گردید و از محضرشان استفاده کرد. سپس به مشهد بازگشت و تا پایان عمر با برکت خود، در جوار ملکوتی حضرت رضا علیه السلام اقامت گزید. با کمال جدّیت، به انجام وظیفه و تعلیم و تربیت مشغول شد.

تسلّط معظم له بر احادیث و فقه و رجال

یکی از بزرگان علماء مشهد به ایشان وارد شد و سؤال از مدرک، فرعی مربوط به زکات پرسید، مرحوم حاج شیخ زکات جواهر (چاپ قدیم سنگی) را خواست، کمتر از ۲ دقیقه (تحقیقاً) جواب را از متن جواهر خواند.[۱]

حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری(ره) برای بازدید آقا به منزل آمدند. ایشان سؤالی از رجلی از راویان حدیث پرسیدند. پدرم در جواب گفتند، کدام یک؟ ایشان پرسیدند که چند تا به این نام است؟ پدر جواب دادند که پنج تا. بعد مشخصات هر کدام را با رجل قبل و بعد و نام معصوم شرح دادند. ایشان با خوشحالی و لبخند به همراه خود دستور ثبت این آدرسها را دادند.[۲]

روزی یکی از علماء تبریز تلفنی از مدرک حدیثی سؤال کرد. بعد پدر با مختصر سؤالی از وضع هوای آنجا، جواب سؤال را از متن بحار چاپ کمپانی پیدا کرده و خواندند.[۳]

تسلّط ایشان به فقه، احادیث و رجال به حدّی بود که حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی(ره) از ایشان تعبیر به مجلسی زمان کرده بودند.

← مرحوم میرزا را همراهی می‌کردند.

۱. به نقل از مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمود اکبرزاده(ره).

۲. به نقل یکی از فرزندان آن مرحوم. ۳. همان.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

سجایای اخلاقی

آیت الله نمازی، عالمی اهل عمل، دائماً ملتزم به وظایف شرعی، مقیّد به انجام نوافل، در انجام مستحبّات کوشا، در خلق و خوی و مکارم اخلاقی بی‌نظیر بود و زهد، تقوا و فروتنی وی زبانزد همگان بود. وی بسیار صبور و با رحم نسبت به کوچک و بزرگ، آشنا و غریبه بود.

در نقل احادیث اهل‌بیت و نشر معارف حقّه و اقامهٔ مجالس عزاداری و توسّل به ذیل عنایات اهل‌بیت علیهم‌السلام سعی بلیغ داشت.

بلکه هر وقت نامی از حضرات معصومین علیهم‌السلام خصوصاً امام صادق علیه‌السلام برده می‌شد با جملهٔ «**السّلام علیکم یا اهل بیت النبوة**»، زبانش ثناگوی اهل‌بیت علیهم‌السلام بود. بسیار خوش برخورد با همگان، خصوصاً نسبت به سادات معظم که برای آنان احترام خاصّی قائل بود و هم‌چنین نسبت به اقوام به صلهٔ رحم اهمّیت زیادی می‌داد. در مطالعه و تألیف کوشا و وقتها را بسیار غنیمت می‌شمرد.

به سؤالات مطرح شده با صبر و حوصله گوش می‌داد و سپس جواب می‌داد. با شخص مستعد (آماده برای استفادهٔ مطلب علمی) که برخورد می‌کرد، از بحث دریغی نداشت.

خاطرات

یکی از دوستان مرحوم ابوی، در فصل تابستان، ما را به باغ خود دعوت نمود بعد از حضور در باغ و پذیرایی، ایشان داستانی را از مرحوم والد، آیت الله نمازی نقل کرد و ما را بر سر چاهی برد که آبیاری باغ و زمینها توسّط آن انجام می‌شد.

وی این‌گونه گفت: من در این باغ اقدام به حفر چاه نمودم، ولی هر چه کندیم به آب نرسیدیم، در جاهای مختلف چاه کندیم؛ امّا به ته چاه که می‌رسید قلوه سنگهای بزرگی پیدا می‌شد و آب نبود، از این امر خسته و نگران شدم و متحیّر بودم که چه کنم. روزی به عنوان درد دل، خدمت والد شما رسیدم و جریان را بیان کردم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

ایشان نسبت به من تلطّف کردند و فرمودند: شما یک ساعت به اذان صبح مانده بیا منزل تا جواب شما را بدهم. من، همان وقت خودم را به درب منزل رساندم، ولی مردّد بودم که زنگ منزل را بزنم یا نه. با خود گفتم این موقع شب، ممکن است مزاحمت باشد و زنگ نزدم؛ ناگهان درب باز شد و آقا فرمودند: من خودم گفتم بیا چرا زنگ نزدی! سپس ایشان یک کاسه چینی که در آن با زعفران نوشته‌هایی داشت به من داد وگفت: برو سر چاه و پس از ادای نماز، مقداری آب داخل کاسه بریز و آن را داخل چاه خالی کن، ان شاءالله چاه، به آب خواهد رسید. من طبق دستور عمل کردم و صبح همان روز ابتدای کار خبر به آب رسیدن چاه را به من دادند. این چاه هنوز هم پس ازگذشت سالها، پر آب و مورد استفاده است، من این نعمت خدا را از الطاف و عنایات والد شما می‌دانم.

چند ماه قبل از فوت، در مورد وسیله‌ای به من فرمودند: رها کن، عمر من به اندازه‌ای که استفاده از این ببرم، نیست و به من نخواهد رسید.

خاطرات پس از فوت

ـ روزی اخوی ما حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن نمازی (که تحقیق و انتشار کتابهای ابوی را عهده دارند) از تهران تلفنی فرمودند: کتاب خطی مستطرفات‌المعالی را برای چاپ به خانواده که فردا عازم تهران می‌باشد تحویل دهید بیاورند.

من به خاطر حفظ آثار خطی پدر، تردید در ارسال آن داشتم. شب مرحوم والد را در خواب دیدم که فرمودند: کتاب را به خانوادهٔ اخویت که فردا عصر با قطار عازم تهران است، بده ببرد، سالم خواهد رسید ان شاءالله جای نگرانی نیست. اطاعت کردم و الحمدلله کتاب نیز چاپ شد.

گاهی در خواب ما را متوجّه انجام کاری، و یا از عاقبت امری آگاه می‌کنند. در خواب بعضی از فرزندان خود را ارشاد به کاری که در روز پیش می‌آید با بیان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

صلاحدید، آن را گوشزد می‌کنند. به عنوان مثال:

پس از فوت والد، یکی از فرزندان، ایشان را خواب می‌بیند و سؤال می‌کند که پدر آیا بدهکاری داری؟ (نماز و روزه و...) می‌فرمایند: نماز خیر، روزه یک روز که می‌دانی و امّا بدهکاری، همان دفتری که از اشکاف آوردید پایین و بررسی هم شد، همان بود و بس، که انجام شد.

ـ یکی از فرزندان شبی وقتی پدر را در خواب می‌بیند، از پدر درخواست می‌کند که وی را به وادی‌السّلام ببرد. پدر هم این فرزند را با خود به وادی‌السّلام می‌برد. در وادی‌السّلام می‌بیند که مرده‌های زیادی است و بعضی از این مرده‌ها نقص عضو دارند، فرزند می‌پرسد که پدر چرا این مرده دست ناقص و آن دیگری عضوی ناقص دارند؟ پدر شرح می‌دهد که علّت نقص این به خاطر فلان عمل دنیای وی بوده و آن به خاطر آن عمل (با شرح عمل) در این جا همه چیز حساب دارد. (مو را از ماست می‌کشند).

ـ در موقع ازدواج یکی از نواده‌های خود، شب در خواب از فرزند خود سؤال می‌کند که، چه شد جایی را که رفتید؟ مورد خوبی است تمام کن. فرزند می‌گوید: که مهریه زیاد است. می‌فرمایند: به این مبلغ (مبلغ را تعیین می‌کنند) برو و قضیه را تمام کن (صلاح است).

ـ شبی پدر را در کتابخانهٔ (طبقه دوّم) خود خواب می‌بیند که در اتاق جایگاه خود نشسته، ناگهان متوجه تمیز کردن شیشه‌ها (بطور خاصّی) از طرف حیاط می‌شود. به والد می‌گوید که شیشه نازک است ممکن است بشکند. مرحوم والد(ره) جواب می‌دهند که نه، من مرتّب اینجا می‌آیم. اینجا را برای من تمیز می‌کنند.

ـ یکی از علماء شیروان جناب حجّت‌الاسلام نورانی از دنیا رفت. جناب حجت‌الاسلام والمسلمین حاج آقا اکبرزاده خبر فوت را دادند و فرمودند: برای مراسم غسل وکفن به آنجا می‌روم. من هم ایشان را همراهی کردم، روز سردی بود و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

من هم بیمار، مرحوم اکبرزاده، عبای زمستانی خود را روی شانه من گذاشت بعد مرا راهی اتاق پذیرایی کرد. من روبروی محل تکفین مرحوم (روی کرسی) نشسته بودم، تا غسل تمام شد و میّت را برای تکفین در جای مخصوص آوردند. مراسم تکفین تمام شد ما به مشهد برگشتیم. ظهر همان روز، دقیقاً تمامی آنچه را که از اوّل صبح اتفاق افتاده بود من در خواب دیدم همگی عین واقع بود تا بعد از تکفین که ناگهان دیدم، پدرم از طرف مشهد با سرعت آمد، درب را باز کرد و با ادب کامل ایستاد. با حیرت، دیدم پدرم بیرون خانه است، نگاه کردم آقایی بسیار بزرگوار تشریف آوردند و رفتند سر بالین مرحوم، چند لحظه‌ای تشریف داشتند (گویا به گردن مرحوم چیزی آویختند) و بعد برگشتند و پدرم همراه وی رفتند.

سرانجام این عالم ربّانی و خدمت‌گزار دین در دوّم ماه ذی‌الحجة(۱۴۰۵ هـ ق) مصادف با مرداد ۱۳۶۴ ش در مشهد دیده از جهان فرو بست. پیکر شریفش با شکوه هر چه تمام‌تر تشییع و در حرم مطهّر رضوی به خاک سپرده شد.

و با فوتش دفتر اعمال وی بسته نشد.

تألیفات معظم‌له

در زمینه‌های: معارف‌القرآن، حدیث، فقه، اصول، رجال، اعتقادات، متفرقات (گیاه‌شناسی، معرفة الاشیاء، مجموعهٔ در طبّ و رساله‌هایی در علوم غریبه و...) و حاشیه‌هایی بر کتب حدیثی، تفسیری، رجالی، فقهی و غیره عبارتند از:

۱ـ معارف القرآن (غیر از استنساخ دورهٔ کامل معارف الهیّه)

در زمینه حدیث

۲ تا ۱۱ـ مستدرک سفینة البحار، ۱۰ جلد (شرح هر کتاب در بخش کتاب‌شناسی خواهد آمد)

در زمینه فقه و اصول

۱۲ تا ۲۱ـ روضات النظرات (فقه استدلالی)، حدود ۱۰ جلد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

۲۲ و ۲۳ـ اصول، ۲ دفتر.

در زمینه رجال

۲۴ تا ۳۱ـ مستدرکات علم رجال الحدیث، ۸ جلد.

۳۲ـ مستطرفات المعالی (منتخب المقال و الاقول فی علم الرجال).

۳۳ـ الأعلام الهادیة الرفیعة فی اعتبار الکتب الاربعة.

در زمینه اعتقادات

الف: به زبان عربی

۳۴ـ کتاب فی اثبات الولایة الکلیّة الالهیّة للنبی و الأئمه صلوات الله علیهم اجمعین فی الامور الشرعیّة و الکائنات الخارجیّة.

۳۵ـ رسالة فی اثبات علم الغیب للامام علیه‌السلام.

۳۶ـ رسالة فی تفویض امر الدین الی الأئمه صلوات الله علیهم اجمعین.

۳۷ـ رسالة نور الانوار فی خلقة الرسول و آله الاطهار علیهم‌السلام

۳۸ـ الاحتجاج بالتاج.

۳۹ـ الهادی الی الحّق.

۴۰ـ رسالة فی علاج مرض الوسوسة.

ب: به زبان فارسی

۴۱ـ اثبات ولایت. چاپ ششم. این کتاب به زبانهای عربی و اردو در بیروت و پاکستان به چاپ رسیده است.

۴۲ـ رساله علم غیب امام علیه‌السلام (این کتاب تعریب شده و آماده چاپ است).

۴۳ـ مقام قرآن و عترت در اسلام.

۴۴ـ رساله نورالانوار شرح خلقت نوری ائمّه علیهم‌السلام

۴۵ـ تاریخ فلسفه و تصوّف در اسلام یا مناظره دکتر با سیاح پیاده و جلد دوّم خطی (جلد اوّل تعریب شده و در دست چاپ است).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

۴۷ـ ابواب رحمت (چاپ پنجم اخیراً منتشر شد) جلد اوّل.
۴۸ـ ارکان دین.
۴۹ـ اصول دین.
۵۰ـ بیانیّهٔ امام جعفر صادق صلوات الله علیه در بیان فلسفه و احکام حجّ به‌نام «مناسک حجّ».
۵۱ـ زندگانی حبیب بن مظاهر اسدی.
۵۲ـ تاریخچهٔ مجالس روضه‌خوانی و عزاداری سیّد مظلومان علیه‌السلام.
۵۳ـ وسیلة النجاة.
۵۴ـ راهنمای حق.
۵۶ـ رساله‌ای در آنچه انسان را از دین خارج می‌کند.
۵۷ـ رساله آداب سفر آخرت.
۵۸ـ رساله تحفة الاحیاء.

در متفرقات

۵۹ـ معرفة الاشیاء (الجمادات، النباتات، الاشجار، الحیوان).
۶۰ـ مجموعهٔ نفیسه در طب گیاهی
۶۱ـ بحر الغرایب و اشیاء متفرّقة فی العلوم الغریبة (رساله هایی در علوم غریبه).
۶۲ـ گیاه‌شناسی و جزوهائی غیر از اینها.

حاشیه‌هایی بر

۱ـ بحارالانوار، چاپ کمپانی و جدید (حدود ۲ جلد) در بیروت همراه بحارالانوار به چاپ رسیده است. منشورات: مؤسسة الأعلمی المطبوعات بیروت.
۲ـ تفسیر البرهان، (مشتمل بر احادیثی که در آن نیامده است).
۳ـ بصائر الدرجات، (حاشیه از نظر متن و هم از نظر رجال).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

۴ـ تنقیح المقال فی الرجال للعلامة المامقانی(ره).
۵ـ معجم الرجال، آیة الله العظمی خوئی(ره).
۶ـ رجال الشیخ الطوسی
۷ـ الجواهر فی الفقه تألیف مرحوم شیخ محمّد حسن نجفی.
۸ـ الحدائق الناضره تألیف مرحوم شیخ بحرانی.
۹ـ کتاب وقایع الشهور علّامه بیرجندی.
۱۰ـ الرسالة الشریفه (الرجبیّه) علّامه بیرجندی صاحب (کبریت احمر) و حواشی دیگر...

کتاب‌شناسی

مقام قرآن و عترت در اسلام

تعداد چاپ ۲ مرتبه، تعداد صفحات ۲۲۴ صفحه، وزیری.

در این کتاب مؤلف محترم ریشه و اساس شبهات به وجود آمده را در عدم پیروی از حدیث مشهور ثقلین می داند. ضمن بیان حدیث ثقلین (قرآن و عترت)، به پاره‌ای از آدرسهای این حدیث شریف می‌پردازد. و هم از کتب شیعه، مثل: بحارالانوار (که متجاوز از ۱۰۰ روایت از کتب معتبره شیعه و صحاح اهل سنّت) و هم از کتب معتبره عامّه نقل می‌کند. بعد به آدرسها و تعداد روایات آن اشاره می‌کند مانند: جامع‌الاحادیث ۵۰۰ روایت که حدود ۴۰۰ روایت آن را از عامّه نقل کرده و... و ادامهٔ بحث را در معرفت و شناسایی قرآن و عترت پی می‌گیرد.

در قسمت اوّل: شناسایی قرآن مجید از نظر آیات به ۱۲ آیه از آیات معرفت قرآن اکتفا نموده، بعد به معرفی قرآن از زبان و کلمات امامان معصوم علیهم‌السلام می‌پردازد: که قرآن چیست؛ و در آن، چه علومی نهفته شده؟ و بیان علوم قرآن با اهل‌بیت علیهم‌السلام هستند که راسخون در علم می‌باشند.

در فصل بعد اشاره‌ای به آگاهی ائمه علیهم‌السلام به جمیع علوم قرآن می‌نماید. و با بیان

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

روایاتی (صحیح و معتبر) و با ارائهٔ آماری از کتابها و تعداد روایات آن، آنان را آگاهان به تأویل و تنزیل، آنچه شده و خواهد شد، دنیا و آخرت، زمین و آسمانها، معلّم و مفسّر و عالم به قرآن، مبلغ اوامر و نواهی پروردگار، صاحبان امر و اهل استنباط امر و علوم قرآن، راسخان در علم، وارث تمام علوم انبیاء و مرسلین، خصوصاً پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند. سپس با آیات قرآن به معرفی کتاب مبین می‌پردازد و اینکه، علم همه چیز در کتاب خدا، و علم کل کتاب در نزد ائمهٔ هدی می‌باشد. در ادامه برخی آمار کتاب‌ها را با تعداد روایات از فریقین (بیش از ۱۰۰ روایت) نقل می‌فرماید.

در فصل سوم تفسیر قرآن بدون بیان عترت را جایز و صحیح نمی‌دانند و با استفاده از روایات خاصّه و عامّه به مذمّت تفسیر به رأی اشاره می‌نماید.

در مبحث دوّم: معرفت و شناسائی عترت بیان می‌شود؛ و به مباحثی چون اعطای فهم و علم رسول اکرم صلی الله علیه و آله به عترت پاکش، احصاء و ضبط علوم در وجود امام علیه السلام، آگاهی آنان به تمامی کتب آسمانی، علوم ملائکه و پیامبران علیهم السلام در نزد آنان، دانستن گذشته و آینده، عرضه ملکوت آسمانها و زمین بر معصومین علیهم السلام، منابع علم امامان، برهان شب قدر بر عظمت و جلال آنان، اثبات علم غیب برای آنان را مطرح می‌کند. به دنبال آن اشارهٔ مختصری به روایاتی در اثبات علم غیب برای فرد فرد ائمه هدی و در پایان این مبحث ضمن شرح توانائی‌های ائمه علیهم السلام، بعضی از شبهات مربوط به علم غیب و پی آمدهای عمل پیامبر و امام را جواب می‌دهند. در آخر بیان مدارک عرضهٔ اعمال بندگان بر پیامبر و ائمه علیهم السلام و شاهد بودن آنان بر خلق، واسطه‌های فیض بین خالق و مخلوق، بیان وسیله و اسماء حسنای بودن آنان بیان می‌کند.

در خاتمهٔ بحث در فضیلت زیارت قبور ائمه علیهم السلام از کتب شیعه و سنّی با ذکر نام کتاب و تعداد روایات، وجوب بزرگداشت قبور معصومین علیهم السلام، بوسیدن ضریح و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

شفیع قرار دادن معصومین علیهم‌السلام و دلالت قرآن بر لزوم تجلیل و تعمیر قبور پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام، و با دلات قرآن بر هشداری به مؤمنان کتاب ختم می‌شود.

مستدرک سفینة البحار

دوره کامل ۱۰ جلد، چاپهای متعدد، وزیری.

مؤلّف محترم مدت ۳۴ سال شبانه روزی با تمام قدرت و توان برای این کتاب وقت صرف نمود. این مجموعه حاوی جمیع مطالب کتاب بحارالانوار است، اعّم از: آیات، تفسیر و تأویل، معارف الهیّهٔ مربوط به اصول و فروع دین، حقیقت اشیاء و احوال و احکام و آثار آنها در لسان شرع، فروع فقهیّه، قصص و حکایات، خطبه‌ها، دعاها، زیارات و...

این کتاب در هر لغتی، آنچه مربوط به مشتقات آن لغت و موضوعات فوق بوده جمع‌آوری کرده با آدرسهای بحار چاپ کمپانی و بحار طبع جدید، و در باب فضائل و غیر آن هم از روایات خاصّه مانند تفسیر برهان، وسائل الشیعه، مستدرک الوسائل و... و هم از روایات عامّه مانند کتاب الغدیر، احقاق الحق، فضائل الخمسة، التاج الجامع للاصول و... استفاده شده[1]، (مطالب اضافه بر متن بحار).

مطالب اضافه بر سفینه

غالب مطالب سفینة البحار و مطالبی که مرحوم محدث قمی(ره) به آنها اشاره

۱. از کتب دیگری که از آن استفاده شده، از جمله: صحیح بخاری، مسلم، شواهد التنزیل تفسیر فخر رازی، النهایة، القاموس، دائرة المعارف، حیاة الحیوان، غیة المرام، التحفة الجعفریات، رجال کشی، کتب اربعه، کتاب صفّین، المجمع طبرسی، ایضاح فضل بن شاذان، الخرایج، توحید صدوق، الناسخ، شرح نهج البلاغه لعلامة الخوئی، کتاب زید النرسی، حلیة الابرار، مدینة المعاجز، معانی الاخبار، علل الشرایع، الروضات، دلائل الامامة للطبری، امالی مفید، کتاب جعفربن محمّد بن شریح، عمدة الطالب، غیبة الطوسی، لئالی الاخبار، مجمع النورین لمرندی، البصائر، عوائد الایام لنراقی، منتخب التواریخ، مجموعة الاخبار، نهج السعادة مستدرک نهج البلاغه، تتمة المنتهی، تفسیر عیّاشی، اثبات الهداة لعلاّمة الحرّ العاملی، کامل الزیارة.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

نکرده در این کتاب نقل شده است.

از ویژگیهای دیگر: بیان سند بعضی از مراسیل درکتب فقهی است مانند حدیث "نهی النبی صلی الله علیه و آله عن بیع الغرر"

نقل مدارک بعضی از فروع فقهیه، محوریّت اکثر لغات و موضوعات بر معارف و ولایت الهیّة، بیاناتی از نظر: لغة، شرح قسمتی یا کل روایت حدیثی و فقهی، نقل روایتی از غیر بحار از سایر کتب حدیثی یا فقهی. اضافه مدرک بر مدارک بحار، بیان مطالب معارفی در ضمن روایات مربوطه. جمع آوری و دسته بندی مطالب موضوعی در بخشهای: اعتقادی، معارفی، ولایتی، تاریخی، اخلاقی، زندگانی معصومین، عبارات، طبیعات و خواص اشیاء، بعنوان مثال در باب خطبه‌ها علاوه بر دسته‌بندی خطبه‌های معصومین به ترتیب نام آنها. خطبه‌های هر معصوم نیز دسته بندی شده؛ مثلا در باب امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه‌ها در جوامع توحید، مقام نبوّت و رسالت، مقام عترت، فضائل خودشان وصف قرآن و فضائل آن، وصف خلقت عالم، خطبه‌هایی که جمله سلونی قبل آن تفقدونی دارد، جنگهای جمل و صفّین و نهروان، ملاحم، متفرقات با ذکر آدرس از بحار و غیره دسته بندی شده است.

کتاب اثبات ولایت

تعداد چاپ: ۶ نوبت، تعداد صفحات: ۴۳۱، وزیری.

این کتاب در دفاع از حریم ولایت و با مبحث وجوب تمسکّ به ثقلین (کتاب و عترت) شروع شده، و با اثبات افضل و اشرف و معصوم بودن عترت، لزوم ارجاع تمامی امّت به آنان، وجود تمام علوم قرآن نزد ائمه علیهم السلام و انحصار امامت و خلافت و هدایت در معصومین و... آمار تعداد روایات متواتر ثقلین را با آدرس‌هایی از کتب شیعه و اهل سنّت نقل می‌کند.

راجع به وجوب مراجعه به عترت در تفسیر قرآن و تخصیص برخی از آیات

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]

قرآن، به دلالت روایات با ذکر مثال، قرآن و علم غیب پیامبر و امام علیه‌السلام و اینکه بیان همه چیز در قرآن می‌باشد و علم تمام قرآن در «**من عنده علم الکتاب**» با استدلال به آیات و روایات و لزوم پیروی از قرآن و عترت بیان شده است.

ایشان با استفاده از آیات، به ضمیمه تفسیر و بیان عترت ولایت تکوینی (سلطنت و فرمانروایی بر تمامی کائنات) و ولایت تشریعی (حق قانونگذاری) را برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدا علیهم‌السلام ثابت می‌نماید.

با بیان معنی ملک، شرح ملک یوسف، طالوت، داوود و سلیمان مقایسه‌ای با ملک عظیم، (ملک ائمه اطهار علیهم‌السلام) نموده‌اند و آن را شرح داده‌اند.

مؤلّف محترم با روایات صحیح و معتبر ثابت می‌کند که تمامی کتب و آثار و علوم پیامبران همه در نزد ائمهٔ هدی علیهم‌السلام می‌باشد.

آنان به تمامی علوم اعطا شده به خلائق آگاهند و تمامی ۷۲ حرف اعظم در نزد آنان موجود است.

ایشان با استفاده از روایات، در اثبات اینکه پیامبر و ائمهٔ هدی علیهم‌السلام مظهر قدرت حضرت حق هستند، نفوذ ارادهٔ آنان در تمامی کائنات ساری و جاری است:

از جمله جسم و صورت انسان و توانایی بر زنده کردن مردگان را دارند، و جمادات، ابر و باد و آب، درختان و گیاهان، حیوانات و تصاویر آنان، جنّیان و شیاطین و ملائکه مطیع و فرمان‌بردار آنانند.

در بخش دوم به شبهات آیات و روایاتی پاسخ می‌دهد که برای نفی ولایت تکوینی استدلال کرده‌اند، و نیز تحقیقی ارائه می‌دهد دربارهٔ اسماء و صفات حضرت حق و بیان و شرح غلوّ و تفویض و موارد آن.

و در خاتمه با بررسی پنج دلیل عقلی و اشاره به اخبار طینت و خلقت ابدان ائمه علیهم‌السلام و شرح بعضی اخبار و نظرات فقها در تأیید ولایت تکوینی کتاب را به پایان می‌برند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1391.9.34.4.1]